

## بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی

عزت ملاابراهیمی\*

**چکیده:** پس از اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌ها در ۱۹۴۸، شماری از فلسطینیان در کشورهای عربی هم‌جوار آواره شدند و برخی دیگر در داخل سرزمین‌های اشغالی به‌ویژه کرانه غربی و نوار غزه سکنی گزیدند. از آن پس فلسطینیان هرگز روی آرامش، ثبات و استقرار سیاسی را به خود ندیدند. در نتیجه شعر معاصر نیز از این اوضاع نابسامان تأثیر پذیرفت. آوارگی، تبعید، قتل، غارت، مصادره‌ی املاک و اراضی، تخریب و ویرانی و دیگر رخداد‌های سیاسی ناگوار این کشور سبب شد تا شاعران زن فلسطینی پس از «اشغال» پیوسته نظاره‌گر درد، رنج و اندوه بی‌پایان هم‌وطنان خود باشند و بی‌وقفه آلام آنان را در آثار خود به تصویر کشند. بدین‌سان شعر آنان که ملامال از احساسات و عواطف صادقانه بود، پیوندی ناگسستنی با توده‌ی مردم برقرار کرد؛ روحیه مبارزه طلبی و آزادسازی وطن را در کالبد فدائیان دمید و گام‌هایشان را در راه پیشبرد اهداف جنبش ملی فلسطین استوارتر ساخت.

**واژه‌های کلیدی:** زنان، فلسطین، شعر معاصر، اشغال، اسرائیل

### مقدمه

با شعله‌ور شدن آتش جنگ ۱۹۴۸ شعرای زن فلسطینی نیز در این نبرد سرنوشت‌ساز شرکت جستند و به دفاع از میهن خود پرداختند. آنان در راه نجات سرزمین خود که اینک عرصه تاخت و تاز اشغالگران شده بود، از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. آوارگی، تبعید، کشتارهای دسته جمعی همچون حادثه تأسف انگیز دیرپاسین، ویرانی و تاراج، غارت و ترور، بیکاری و فقر، ناامیدی و رنج، اقامت اجباری، سرکوب آزادی‌های فردی و دیگر نابسامانی‌هایی که فلسطینیان در داخل و خارج سرزمین‌های اشغالی با آن مواجه بودند، سبب شد تا مضامین شعر زنان فلسطین پس از اشغال در این راستا سوق داده شود.

از این رو شعرای زن فلسطین پس از فاجعه ناگوار ۱۹۴۸ پیرامون رنجی که از رهگذر اشغال گریبانگیر هم‌وطنانشان شده بود، شعر سرودند. آنان در اشعار خود پیروزی نامیمون باطل بر حق را آن‌هم به لطف استعمارگران کهنه‌کار، نکوهیدند و پیوسته کوشیدند تا در قصاید پر سوز و گداز خود که گاه شوق بازگشت به «وطن» در آن موج می‌زد و گاه از فراق «وطن» اشک حسرت بر دیدگان شاعر جاری می‌ساخت، تابلوهای سحرانگیز اما حزن‌آلودی را ترسیم کنند. در لابلای اشعار زنانه‌ی فلسطینی همواره امید به آینده‌ی روشن، شور مبارزه و جان‌فشانی برای آزادسازی میهن به چشم می‌خورد.

این شرایط جدیدی که بر فضای سیاسی فلسطین حاکم بود، سبب شد تا شعر زنان فلسطین به افق‌های نوینی دست یابد. شاعران زن فلسطینی که در خارج از سرزمین‌های اشغالی به سر می‌بردند، پیوسته در آثار خود از جنگ، کشتار، ویرانی، آوارگی، گرسنگی، فقر و غربت حاکم بر اردوگاه‌ها سخن به میان آوردند. اما در این میان آنچه بیش از همه در آثار آنان جلب توجه می‌کند، عشق بازگشت به وطن است که در شعر زن فلسطینی ساکن اردوگاه‌ها هیچگاه از بیان این مسأله غفلت نورزیده بود. زنان شاعری نیز که در داخل سرزمین‌های اشغالی اقامت داشتند در اغراض و مضامین شعری تقریباً همان راه مشابه را پیمودند. آنان نیز از گسستگی جمعشان، آوارگی مردمشان، تبعیض نژادی، مصادره اراضی و املاک، بازداشت فرزندان وطن... شکوه داشتند. نگارنده در این مقاله به بررسی ویژگی و ابعاد مختلف شعر زنان فلسطینی پس از اشغال (۱۹۴۸) پرداخته و مهم‌ترین موضوعات و مضامین آنرا استخراج کرده است.

### تأثیر اشغال بر روند شعر زنان

شعر زنان فلسطینی به ویژه پس از قیام سراسری این مرز و بوم طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ دستخوش تحولاتی گسترده گشت. شعر در این دوره از عاطفه صادقانه و احساسات عمیق آنان سرچشمه می‌گرفت. وسیله‌ای بود تا شعرای زن فلسطینی عواطف پاک و بی‌آلایش، احساسات درونی و زمزمه‌های روحانی خود را در خلال آن به تصویر کشند. از آن پس شعر آنان راه کمال و ترقی پیمود و اغراض، افکار و اسالیب آن تکامل یافت (سوافیری، الاتجاهات، ۱۹۷۳: ۲۴).

اما با وقوع حادثه اندوه‌بار اشغال فلسطین در ۱۹۴۸ شعر زنان فلسطینی در مرحله جدیدی گام نهاد و بیش از گذشته دستخوش تحولات چشمگیری گشت. شعرایی که پس از ۱۹۴۸ رنج آوارگی و پناهندگی را به‌جان خریده و در کشورهای عربی هم‌جوار سکنی یافته بودند، تغییر ملموسی در روش و سبک شعری آنان به چشم

بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۲۱

نمی‌خورد (مصطفی، ۱۹۷۸: ۶۱-۶۵؛ عبدالستار، مطبعة النفر، ۲۲-۲۵). آنان همان نغمه‌های تکراری اما آمیخته با نوعی اندوه، درد و حسرت را سردادند. با این تفاوت که پیکان خشم خود را به سوی سران سازشکار عرب نشانه رفتند که در شرایط سرنوشت‌ساز از حمایت فلسطینیان دست شسته و به تسلیم تن داده بودند. شاعران زن فلسطینی هم‌واره پس از اشغال در آثار خود بر وضعیت اندوهبار «وطن» گریستند و از آینده مبهم و تیره و تار آن ابراز نگرانی کردند. آنان نیک دریافتند که بازگشت مجدد به «وطن» تنها با تصویب قطعنامه‌هایی از سوی سازمان ملل یا وساطت و میانجیگری دیگران میسر نیست. بلکه با اراده‌ی آهنین مردم، بسیج همگانی آنان، یکپارچگی صفوف، نبردی مستمر و جان‌فشانی در راه میهن تحقق می‌یابد. از این روست که می‌بینیم شعر زنان، جان‌فشانی و امید در شعر زنان فلسطینی خودنمایی می‌کند. با این همه پناهندگی و آوارگی دو موضوع اصلی شعر آنان را تشکیل می‌دهد (جیوسی، الاتجاهات، ۲۰۰۱: ۲۰۵؛ ابو اصبح، ۱۹۷۹: ۱۷-۲۸).

شعر در این مرحله به مدد آن دسته از شاعران زنی که داخل سرزمین‌های اشغالی سکونت داشتند به اوج و تکامل رسید. روی هم رفته شعر این گروه پخته‌تر، منسجم‌تر، مستحکم‌تر، ملموس‌تر از شعر زنان خارج از فلسطین اشغالی بود و در آن نوآوری و خلاقیت‌های بیشتری به چشم می‌خورد (یوسف، یوسف، ۱۹۷۷: ۶). هر چند حادثه ناگوار اشغال فلسطین سبب شد تا روحیه یأس و نومییدی بر جان شعرای زن این سرزمین حاکم شود، اما به تدریج با وقوع حوادث امید بخشی در جهان عرب، شور و نشاط تازه‌ای در کالبد بی‌روح شاعران زن فلسطینی دمیده شد. از این رو پس از حمله سه‌جانبه‌ی کشورهای آمریکا، انگلیس و فرانسه به مصر در ۱۹۵۶ و به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر که در میان فلسطینیان به عنوان «قهرمان رهایی بخش عرب» قابل ستایش و احترام بود، اندکی از یأس و نومییدی زنان فلسطینی کاسته شد و از آن پس جلوه‌های امید، مقاومت و پایداری بیش از گذشته در اشعارشان خودنمایی کرد. آنان جمال عبدالناصر را سمبل استقامت و پایداری یافتند که می‌توانست آینده‌ای درخشان را پیش روی آنان ترسیم کند و رؤیای پیروزی و بازگشت به «وطن» به دست وی تحقق یابد.

بعدها با اعلام جمهوری متحد عربی در ۱۹۵۸ و اتحاد مصر و سوریه و نیز با تشکیل سازمان آزادی بخش فلسطین در ۱۹۶۴ به عنوان تنها نماینده‌ی قانونی ملت فلسطین، امید به رهایی وطن از چنگال استعمارگران و سودای بازگشت به میهن بیش از گذشته در اشعار شاعران زن فلسطینی جان گرفت. هر چند در این میان رویدادهای ناگواری چون سرکوب انقلاب عراق در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ و گسسته شدن وحدت

۱۲۲ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، پاییز ۱۳۸۸

مصر و سوریه در جهان عرب به وقوع پیوست، اما تا زمانی که جمال عبدالناصر سودای رهایی فلسطین را در سر داشت، شور و اشتیاق بازگشت به وطن در آثار زنان فلسطینی به گونه‌ای ملموس‌تر و پرنرنگ‌تر از گذشته موج می‌زد. به عنوان مثال فدوی طوقان که پیش‌تر در اشعار خود تصویری از ظلم، آوارگی و درماندگی ارایه می‌کرد، اینک از امید به آینده سخن می‌راند (۱۹۵۴: ۳۹۸):

أحبائي مصابيح الدّجى، يا إخوتى

فى الجرح

و يا سرّ الخميرة يا بذار القمح

يموت هنا ليعطينا

و يعطينا

و يعطينا

و على طرقاتكم أمضى

و أزرع مثلكم قدميّ فى وطنى

و فى أرضى

و أزرع مثلكم عينيّ

فى درب السنّى و الشمس

(ای یارانم! چراغ‌های روشنی بخش تاریکی! ای برادران هم‌زخم من! ای راز خمیر مایه هستی! ای دانه‌های گندم! شهید! در اینجا می‌میرد تا به ما [زندگی] ارزانی دارد. راهتان را ادامه می‌دهم و مانند شما گام‌هایم را در وطن و سرزمینم استوار می‌کنم و چون شما چشمانم را به روشنی و خورشید می‌دوزم.)  
شاعر در جای دیگر احساس نجات و رهایی از چنگال یهود به کمک عبدالناصر را اینگونه به تصویر می‌کشد (طوقان، ۱۹۵۴: ۱۰۸-۱۰۹):

روحک معنى الموت معنى العدم	یا وطنی ما لک یخنی علی
کم یتنزى تحت ناب الألم	جرحک ما أعمق أغواره
و یمسح الفجر غواشی الظلم	ستنجلی الغمرة یا موطنی
لسوف یسوف بلهیب و دم	و الأمل الظامئ مهما ذوی

بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۲۳

فالجوهر الكامل فی أمتی      ما یأتلی یحمل معنی الضرم  
هو الشباب الحر ذخر الحمی      یقیظ المستوفز المنتقم

(میهمنم! تو را چه شده، در حالیکه معنی مرگ و نیستی تو را مصیبت زده کرده است. زخمت چقدر عمیق و ریشه‌دار است! چه زمان از نیش دندان درد برمی‌جهد؟ میهمنم! آشوب کنار خواهد رفت و سپیده‌دم پیروزی پرده‌های ستم را کنار خواهد زد. امید تشنه‌مان چون پژمرده گردد، با زبانه‌ی آتش و خون سیراب خواهد شد. جوهر کامل در امت من است؛ مادامی که در جوش و خروشند. آن جوان آزاده، پشتوانه میهن، بیدار، آماده و انتقام‌جوست. رادمردان هرگز از انتقام‌جویی دست نمی‌شویند و انتقام در خون آزادگان می‌جوشد). همین معانی را به وضوح می‌توان در شعر سلافه حجاوی مشاهده کرد (جیوسی، موسوعه، ۲۰۰۱: ۱۸۷/۱):

لکن ریح الصبح ترجعه صدی  
فیعود مرتعشاً علی طرقات باب  
حلم من الاحلام اقرع بالوفا  
حلم من الاحلام اشرع بالمنی  
الارض فیہ غابة من الحمام  
و الناس خیرون فیہ کالغمام  
الشمس فی السفوح مشرقه

(اینک پژواک نسیم صبحگاهی باز می‌گردد و لرزان به راه‌های ورودی برخورد می‌کند. یکی از رویاها به وقوع خواهد پیوست. یکی از رویاها در شرف تحقق است. سرزمین [میهمنم] بیشه‌زار کبوتران است و مردم چون ابر پر باران بخشنده‌اند و خورشید بر دامنه کوه می‌تابد.)

### مهم‌ترین مضامین شعر پس از اشغال

مضامین شعر زنان فلسطین پیش از اشغال با پس از اشغال ۱۹۴۸ کاملاً با یکدیگر متفاوت است. هر چند در هر دو دوره‌ی شعرای زن فلسطینی به سنت‌های شعر کهن عرب پایبند بوده‌اند، اما مفاهیمی چون آوارگی، تبعید، یأس و نومیدی، پریشانی و سرگردانی، از هم گسیخته شدن نظام اجتماعی و خانوادگی و گاه خشم و

۱۲۴ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، پاییز ۱۳۸۸

عصیان در شعرشان موج می‌زند. با این همه شعر آنان پس از اشغال هیچگاه از یاد وطن، ذکر سوز و گداز شاعر نسبت به بازگشت به میهن و بیان حس درد و اندوه غربت خالی نبوده است (جیوسی، موسوعه، ۲۰۰۱: ۱۸۱/۱):

قطع الصیف الماضی آخر عرق من وفاتی

اسمعت باخبار وفاتی

بجنازتی الصامة الخفرة

المهزلة الكبرى

ان الميت یدفن و یغیب فی حفرة

لیت التابوت یدوب کقلبی

یتلاشی کالاحلام النضرة

(تابستان گذشته آخرین نبض تپنده زندگی مرا از هم گسست. خود اخبار مرگم را می‌شنیدم و جنازه‌ی بی‌جان و شرمسارم را می‌دیدم. چه مصیبت جانکاهی! آن هنگام که مرده به خاک سپرده و در گور پنهان شد، ای کاش تابوت چون قلب من ذوب می‌گشت و چون رویاهای سبز من نابود می‌شد.)  
آن چه بیش از همه در سال‌های نخست اشغال در اشعار شعرای زن فلسطینی خودنمایی می‌کند، تحجیر و سرگردانی است که بر آثار آنان سایه افکنده است. پس از آن مضامینی چون حسرت، اندوه، یأس، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، توسل به شیون و زاری به‌عنوان تنها راه تسلی در برابر مشکلات فراوان در آثار آنان دیده می‌شود. این امور سبب شد تا شاعران زن همچون دیگر هموطنان فلسطینی خود تعادل روحی و روانی خویش را از دست دهند. نمونه‌هایی از اشعار فدوی طوقان، سلمی خضراء جیوسی، دعد کیالی، می‌صایغ، سلافه حجاوی و دیگران شاهدی بر صدق این ادعا است. به عنوان مثال فدوی طوقان که پیش از ۱۹۴۸ آثارش سراسر آکنده از تمجید و تحسین وطن بود پس از اشغال پیام آور یاس، عجز، شکست و سرگردانی شد (۱۹۵۴: ۳۷۷):

یا وطنی الحبيب لا مهما تدر

علیک فی متاهة الظلم

طاحونة العذاب و الألم

لن یستطیعوا یا حبیبتنا

بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۲۵

أن یفقأوا عینیک لن  
لیقتلوا الأحمال و الأمل  
لیصلوا حرية البناء و العمل  
لیسرقوا الضحکات من أطفالنا  
لیهدموا لیحرقوا فمنا شقاتنا  
من حزننا الکبیر من لزوجة  
الدما فی جدراننا  
من اختلاج الموت و الحیاة  
ستبعث الحیاة فیک من جدید

(وطن عزیزم! هر چه آسیاب درد و رنج در میان دهلیز پیچ در پیچ ستم بر تو بگردد، هرگز نمی‌تواند ای دوستان، چشمانت را کور کنند. هرگز نمی‌تواند رویاها و امید را نابود سازند و سازندگی و آبادانی را بر دار کشند یا خنده‌های کودکانمان را به یغما برند، ویران کنند و آتش زنند. سرانجام از بدبختی‌ها، از غم سترگمان، از چسبندگی خون بر دیوارهای ما، از لرزش زندگی و مرگ دیگر بار زنده خواهی شد.)  
این سطور شرح سوز و گداز دردناکی است که روح شاعر درد کشیده را چون دیگر هموطنانش می‌آزارد. توصیف دردی است جانکاه و جانسوز که عمق و عظمتش با تار و پود شاعر لمس می‌گردد، بی‌آنکه با کلمات قابل عرضه باشد. نمونه‌های این یأس و تحیر در آثار دیگر شعرای زن فلسطینی به وضوح مشاهده می‌شود که نگارنده در این پژوهش برای سهولت دسترسی به مضامین شعر زنان فلسطین پس از اشغال آنها را طبقه‌بندی کرده و پیرامون آن به تفصیل سخن رانده است.

### آوارگی

پس از اعلام آتش‌بس در ۱۹۴۹ میان اسرائیل و کشورهای عربی درگیر جنگ، بیش از یک میلیون فلسطینی بی‌پناه در کشورهای مجاور عربی چون اردن، سوریه، لبنان، عراق و مصر آواره شدند و برخی نیز به نوار غزه و کرانه باختری فلسطین مهاجرت کردند. فلسطینیان مقیم اردوگاه‌ها در شرایط نامطلوبی به سر می‌بردند. اوضاع نابسامان اردوگاه‌ها از یک‌سو و بی‌توجهی کشورهای میزبان به خواسته‌ها و نیازهای فلسطینیان آواره از سوی دیگر سبب شد تا شاعران فلسطینی از اردوگاه‌ها به عنوان «تبعیدگاه‌های ملی» یاد کنند (یوسف، خطیب،

۱۹۶۸: ۱۴). هر چند شعر زنان فلسطینی پس از اشغال پیرامون حادثه ناگوار سال ۱۹۴۸ و دیگر حوادث جان سوز این سرزمین دور می‌زند، اما آنچه بیش از همه در آثار شاعران زن به چشم می‌خورد بیان رنج تبعید و آوارگی است. چه، پناهندگان فلسطینی یک‌باره خود را بی‌سرپناه و رانده شده از وطن یافتند و چشم به کمک و احسان کشورهای عربی دوختند. این پدیده بیش از همه قلب شاعران زن فلسطینی را آزرده و آنان از درد و اندوه فراق خانواده، همسر، فرزند و بستگان خود فریاد برآوردند. سلمی خضراء جیوسی در این باره می‌گوید (العودة، ۱۹۶۰: ۱۴۶):

ثم ذاک الصوت ملحاحا حزین	رابعاً ضج الرنین
کل اعمامک امسوا لاجئین	ارسلی غوثک شـرقاً

(به ضجه، ناله وحشتناک و صدای حزن‌انگیز و ملتسانه آنان گوش بسپار. کمک‌های خود را به جانب شرق روانه کن. چون عموزادگان تو آواره گشته‌اند.)

پس از جنگ ۱۹۴۸ فلسطینیان آواره در هر جایی که می‌توانست سر پناه و ماوایی برای آنان باشد سکنی گزیدند. برخی از خانواده‌ها از هم گسست. «چادر» تنها ملجا پناهندگان بود، که در آن مفهوم واقعی ناامیدی، آوارگی، خواری، درد و رنج را می‌چشیدند. رجا سمرین در این راستا می‌گوید (۱۹۶۰: ۲۱):

یا خیاما فی القفر مثل القبور	وصمة أنت فی جبین الدهور
بایدی مخضوبه بالشورور	انت مأوی للبؤس شیدک البغی
علی رسم حقنا المهدور	انت سفر الآلام سطرک الظلم

(ای چادر! تو لکه ننگی بر جبین روزگار خواهی بود. در بی‌حاصلی به قبر می‌مانی. تو پناهگاه یاس و بدبختی هستی که دستان شرور ستمگران تو را برافراشته است. تو دست نوشته‌های درد و رنجی که ظالمان تو را بر تابلویی که حقوق ما را تباه ساخته، حک کرده‌اند.)

شاید قصیده «رقیه» از فدوی طوقان بهترین نمونه‌ای باشد که در آن ترس، سرگردانی، گرسنگی، ذلت، مرگ تدریجی، درد و رنج، فراموشی، خیانت و عظمت از دست رفته فلسطین به بهترین وجه ترسیم شده است. شاعر در این قصیده صحنه‌های تاثیر برانگیزی از زندگی زن آواره‌ای را به تصویر می‌کشد و خواننده را با چشمه‌ای لبریز از احساسات انسانی روبرو می‌سازد (۱۹۵۴: ۱۱۳-۱۱۴):



بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۲۷

و فی وحشة الليل، لیل المواجه، لیل المواجه، لیل الهموم  
و للريح ولولة فی الشعاب و للرعء جلجلة فی الغيوم  
هناك تحت الضباب المسفء و الأرض غرقى بدفق المطر  
هناك ضم رقية كهف رغيب عميق كجرح القدر  
تدور به لفحات الصقيع فيوشك يصطك حتى الصخر  
و تجمد حتى عروق الحياة و يطفأ فيها الدم المستعر  
رقية يا قصة من مأسى الحمى سطرتها أكف الغير  
و يا صورة من رسوم التشرد و الذل و الصدعات الآخر

(و در تنهایی شب، شب دردها، شب دلواپسی‌ها، شب غم‌ها، باد در میان دره‌ها زوزه می‌کشید و رعد و برق در میان ابرها می‌غرید. آن‌جا زیر مه نزدیک به زمین، زمین پر از ریزش باران، غاری فراخ چون زخم قضا و قدر، رقیه را در خود جای داده است. سوز و سرمایی شدید در آن‌جا جریان دارد. نزدیک است صخره‌ها بر اثر سرما به‌لرزه درآیند. همه چیز حتی رگ‌های حیات خشک می‌شوند و خون برافروخته فروکش می‌کند. رقیه! ای داستانی از تراژدی سوزانی که دستان بیگانه آنرا نگاهت و ای تصویری از نشانه‌های آوارگی، خفت و دردهای دیگر.)

از مطالعه آثار متعدد شاعران زن فلسطینی در می‌یابیم که آنان پس از اشغال از بازگو کردن سختی‌ها و شرایط طاقت فرسای اردوگاه‌ها و یا از بیان تبعات ناشی از آن چون احساس غربت، گسستگی نظام خانوادگی، ترس و نگرانی از آینده‌ای نامعلوم، عدم اعتماد به نفس و ... کوتاهی نکرده‌اند (مصطفی، ۲۱۱-۲۱۵).

## یأس و نومیدی

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم شعر زنان فلسطینی در سال‌های نخست اشغال سراسر آکنده از غم و اندوه، یأس و نومیدی است. شاعران به ترسیم احساسات خود که از رهگذر اشغال گریبان‌گیر آنان شده، می‌پردازند (جیوسی، موسوعه، ۱/۱۸۹):

فی الليل اصدرت الاوامر للجنود

بقتل قریتنا الجمیلة

عروسه کل اشجار الحقول

فی اللیل کل الجنود جاءوا

كان ابناء القبيلة

اشجارها

و حقولها

و براعم الزهر الجمیلة

كانوا علی ابواب زیتا ...

(شب هنگام به سربازان دستور حمله به روستای زیبای ما داده شد. روستایی که چون عروس در میان درختان مزغزار خودنمایی می‌کرد. سربازان شبانه به آنجا حمله‌ور شدند. در آن هنگام فرزندانشان قبیله با درختان، دشته‌ها و شکوفه‌های زیبا در کنار دروازه‌های «زیتا» بودند.)

زنان فلسطینی در آثار خود گاه گریه و شیون سر می‌دهند. گاه سوز و گداز و اشتیاق زانداوصفی برای بازگشت به وطن دارند. گاه با یادآوری گذشته پرافتخار عرب یا انتخاب نمادها و سمبل‌هایی در برابر واقعیت‌ها چشم فرو می‌بندند. گویا با فرورفتن به رویا می‌خواهند اندکی تسلی یابند و خود را به وادی فراموشی بسپارند (کیالی، ۱۹۷۵: ۲۳۹):

وہا فلسطین الحبیبة قدجـرت	کف القضاء بمفجع و مفـرق
ان قسموک فتلک قسمة جائـر	وجد السیاسة فیک ان تتمزقی
اواحرقوا بالنار اهلک عنـوة	فالله یرقب فعل خب احـمق

(ای فلسطین محبوب! دست روزگار تو را پاره پاره و اندوهناک ساخت. سیاست اینگونه اقتضا می‌کرد که ناعادلانه تجزیه شوی و مردم سرزمین تو به زور در آتش افکنده شوند. خداوند ناظر کردار نابخردان و احمقان است.) برخی از شعرای زن فلسطینی پس از اشغال در پی راه چاره‌ای بودند تا عواطف حزن‌انگیز خویش را اندکی التیام بخشند. از این رو احساسات و عواطف خود را در قالب جلوه‌های مختلف طبیعی

بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۲۹

مجسم کردند. چه آنان مشابیهتی میان احساسات و عواطف خود با مظاهر مختلف طبیعی یافته بودند، به گونه‌ای که می‌توانست اندکی از رنج و اندوه بیکران آنان را بکاهد. رجا سمیرین در قصیده‌ی «النخل البخیل» پیوندی مستحکم میان نخل و زندگی خویش برقرار کرده و نخل را همچون خود غریب و آواره‌ای رانده شده از خانه و کاشانه یافته است. از این رو آرزوهای از دست رفته‌اش را در «نخل» متبلور می‌بیند. شاعر در این قصیده به زندگی مردم و اشک و اندوه آنان اشاره می‌کند و می‌کوشد تا «تأملی حزن انگیز» را جانشین ناله و اندوه کند. او همچنین در قصیده «طیر غریب» پرنده را سنگ صبوری برای بیان احساسات و شور و اشتیاق خود یافته است. گویا پرنده همچون رسولی است که وی را از احوال «وطن» آگاه می‌سازد و یا می‌تواند دلدادگی او را نزد «وطن» بیان کند (سوافیری، الأدب العربی، دارالمعارف: ۷۴). برخی از شعرای زن فلسطینی در پی یأس و نومیدی ناشی از اشغال، زبان به عتاب و سرزنش گشوده‌اند. گروهی به عادت شعرای کهن عرب روزگار را مسؤول ناکامیهای خود می‌دانستند و از سرنوشت و قضا و قدر که اینچنین سرزمین شاعر گرفتار بیگانگان کرده، شکایت می‌کردند (همان، ۹۵):

الله ما فعل الظلم الغشوم و \_\_\_\_\_  
انزلت یا دهر من حقـــــــــــــــــــــد و من نغم  
(به خدا سوگند ظلم خیانت پیشه با ما چه کرد. ای روزگار! چگونه کینه و خشم خود را بر ما فرو ریختی.)

### تجیر و سرگردانی

آنچه بیش از همه در شعر زنان فلسطین پس از اشغال به‌ویژه در نخستین سال‌های آن جلوه‌گر است، تجیر و سرگردانی است که بر جان شاعر چنگ انداخته بود. وی در این هنگام چاره‌ای جز پناه بردن به شیون و زاری یا ابراز شور و اشتیاق در خود نمی‌دید. سرگردانی شاعر سبب می‌شد تا عکس العمل‌های متفاوتی از خود نشان دهد و گاه در قالب سرزنش کشورهای عربی یا تمسخر و ریشخند آنانی که زمینه همکاری با صهیونیست‌ها را فراهم نموده‌اند، خودنمایی کند. در این میان زنان شاعری بودند که در رویارویی با مشکلات زندگی تجیر و سرگردانی آنان فزونی یافت و از حل آن فرو ماندند. در نتیجه حس بدبینی در وجود آنان شعله‌ور شد. اینان از احساس تجیر خود به شیوه‌ی ترس یا تنفر از زندگی یاد می‌کردند و در چرخه حیات پیوسته خود را با درهای بسته مواجه می‌دیدند (الادیب، ۱۹۶۶: ۹):

۱۳۰ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، پاییز ۱۳۸۸

اصبحت اخشى كل بارقة  
يا دهر حسبي في الحياة شقا  
وافر من نفسي الى نفسي  
اولم يحن مثنوى في رمسى

(از هر برق درخشنده‌ای می‌ترسم. از خودم به خودم پناه می‌برم. ای روزگار! این همه شقاوت و بدبختی در زندگی برایم کافی است. آیا زمان آن نرسیده که بیکرم لختی در گور بیارامد.)  
مفهوم تحیر و سرگردانی در شعر عصام حماد نمود شفاف‌تری دارد. پس از آوارگی، دوری از وطن یا دوستان و افراد خانواده اینک شاعر خود را در تاریکی مطلق سرگردان می‌بیند (کیالی، ۱۹۷۵: ۲۴۸-۲۴۹):

يا ليل اين الــــــدار والربع والاهل  
اين الحمى و الجار و كيف انطوى الشمل  
يا ليل اين مراتع الانس التي  
ودعت في غالى تراها مهجتي  
احببتها حبي الحياة و لم اكن  
لاطيق فرقتها ولاهـى فرقتى  
طيفان ما برحا خيالى لحظــــة  
وطنى الذى ضيعته وطفولتى  
اين العذارى الحور فى جناتها  
يخطرن بيــــن تأود و تلفت

(ای شب! خانه، کاشانه، خانواده، دوستان و همسایگانم کجایند؟ چگونه اتحادشان از هم گسست. ای شب! سرزمین محبوبی که قلب خود را در خاک با ارزش آن جا گذاشته‌ام، کجاست؟ آن‌را چون هستی‌ام دوست دارم. نه من تاب جدایی از او را دارم و نه او تحمل فراق مرا دارد. یاد دو چیز هرگز از خاطر من نمی‌رود؛ یکی دوران کودکی و دیگری وطنم که تباها گشته است. کجایند زیبا رویان سیه چشم که با زیبایی خیره کننده خود در میان بوستان‌های آن می‌خرامند).

### مقاومت و جان‌فشانی در راه وطن

هنگامی که زنان شاعر سرزمین اشغالی فعالانه در عرصه ادبی حضور یافتند، روند شعر معاصر فلسطین دستخوش تغییراتی جدی شد. از آن پس پناهندگی یا آوارگی موضوع اصلی شعر فلسطین را تشکیل نمی‌داد، بلکه پیش کسوتان این نسل پیوسته قتل، غارت، کشتار دسته جمعی، شکنجه، تبعید، مصادره اراضی و

بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۳۱

دارائی‌های هم‌وطنانشان را به چشم می‌دیدند. اینان که خود در متن حوادث قرار داشتند، توانستند شعری پخته‌تر و منسجم‌تر عرضه کنند (یاغی، ۱۹۶۹: ۲۱). در نتیجه به مدد شاعران مقاومت عزم ملی برای مقابله با اقدامات توسعه طلبانه اسرائیل و رویارویی با روند یهودی سازی مناطق عربی راسخ‌تر شد. شاعران زن فلسطینی از آن پس هم‌واره می‌کوشیدند تا درد و اندوه ملت فلسطین را نمایان‌تر در آثار هنری خود ترسیم کنند و بدین‌سان جانی تازه در کالبد مبارزان فلسطینی بدمند و زمینه را برای بسیج ملی و قیام همگانی فراهم سازند. می‌صایغ در این باب اینگونه سروده است (جیوسی، موسوعه، ۲۰۰۱: ۳۱۸/۱):

سددی سهامک الحمراء  
جردی البروق  
و افتحی منفای  
اغلقی الفضاء  
اسرجی الرحیل

(تیرهای سرخ فام خود را هدف بگیر. شمشیرها را از نیام برکش. تبعیدگاه را فتح کن و پهنه‌ی افق را بشکاف و آهنگ بازگشت کن.)

شاعر در آغاز این قصیده نخست به آوارگی و فقر فلسطینیان اشاره دارد. اما در عین حال صلابت اراده و شهامت آنان را در راه دفاع از وطن و تلاش برای بازگشت به آن‌جا می‌ستاید. وی همچنین در قصیده‌ی دیگری جوانان وطن را به مبارزه و گسستن قید و بند اسارت و نیز بذل جان در راه وطن فرا می‌خواند و از مردم می‌خواهد تا یک لحظه از فکر آزادسازی میهن و انتقام ستاندن از دشمن غافل نباشند. در هر حال شاعر به پیروزی نهایی مردمش و رهایی سرزمینش خوش‌بین است (جیوسی، موسوعه: ۲۰۰۱: ۳۲۰/۱):

یا بنی و الحروب تکسر القلوب  
تسرق الحیاة من یدی  
و تمنع النجوم عن مدارها  
و تطفیء النهار  
اوصیک ان تظل صامداً و شاهداً

## و یسقط الحصار

(ای فرزندم! بدان که جنگ پیوند قلب‌ها را از هم می‌گسلد. زندگی‌ام را از کفم می‌ریاید. ستاره‌ها را از چرخش بر گرد مدار خود باز می‌دارد. روشنی روز را به تاریکی مبدل می‌سازد. پس به تو سفارش می‌کنم که هم‌چنان مقاوم و پرخروش به پیش تازی و دیوار محاصره را در هم شکنی.)

این مفاهیم همگی از احساس شاعر و درک وی از واقعیت موجود نشأت می‌گیرد، که شاعر به خوبی توانسته در این شرایط آشفته رسالت سازنده‌ی خویش را به انجام رساند. پیداست که شاعر نقش مبارزی صادق را بر عهده می‌گیرد. از این رو شعر خطابی وی رنگ و بوی حماسی می‌یابد. با ظهور نسل جدید شاعران مقاومت مفاهیم تازه‌ای چون پایداری، فدائی، شهید، مبارزه، آزادسازی و ... در شعر معاصر فلسطین راه یافت. از این رو ابزارهای فنی خاصی نیز در شعر ابداع شد تا این مفاهیم را به وضوح تصویر کند. بدین‌سان وجدان درد کشیده‌ی زن شاعر فلسطینی به مبارزی انقلابی، پرخروش و جان بر کف تبدیل گشت و پیوندی مستحکم میان شاعر و صحنه‌های نبرد ایجاد کرد. طبیعی است که این پیوند تأثیر و تأثری دو جانبه را به دنبال داشت. یعنی شعر به خدمت قیام و مبارزه درآمد و مبارزات مسلحانه نیز در رشد و گسترش جنبش ادبی این مرز و بوم تأثیر به‌سزایی داشت (یوسف، یوسف، ۱۹۷۷: ۸).

در واقع شعر مقاومت فلسطین رسالت تاریخی ارزنده‌ای را بر دوش کشید. احساس و روحیه زنان شاعر فلسطینی را از شکست، یأس و حرمان یا انهدام نشانه‌های تمدن و تاریخ سرزمینش یا سرودن شعر پرسوز و گداز به بیداری، استقامت، جانفشانی، ضرورت استمرار نبرد مسلحانه، بسیج عمومی برای مقابله با اشغالگران با تمام توان وامکانات موجود و نیز تکیه بر قدرت و اقتدار ملی به جای اعتماد به سران سازشکار عرب سوق داد. درقصیده فدوی طوقان (۱۹۵۴: ۵۴۵) این مفاهیم به وضوح ترسیم شده است:

یا فلسطین اطمئنی

انا والدار و اولادی قرابین خلاصک

نحن من اجلک نحیا و نموت ....

(ای فلسطین مطمئن باش که من، خانه‌ام و فرزندانم همگی در راه آزادسازی تو فدا خواهیم شد. ما

به خاطر تو زندگی می‌کنیم و می‌میریم.)

بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸) در شعر شاعران زن فلسطینی ۱۳۳

وی در جای دیگر می‌گوید (طوقان، ۱۹۵۴: ۱۳۷):

فالجوه‌ر الکامل فی أمتی	ما یأتلی یحمل معنی الضرم
هو الشباب الحر ذخر الحمی	الیقظ المستوفز المنتقم
لن یقعد الاحرار عن ثأرهم	و فی دم الاحرار تغلی النقم

(جوهر کامل در امت من است؛ مادامی که در جوش و خروشند. آن جوان آزاده، پشتوانه میهن، بیدار، آماده و انتقام‌جو است. آزادمردان هرگز از انتقام دست برنمی‌دارند و هم‌واره در خون آزادگان شعله‌های خشم و انتقام می‌جوشد.)

هر چند شاعر در این قصیده از تسلیم اعراب در قبال صهیونیست‌ها احساس شرم می‌کند اما آرزومند است تا جوانان آزادی‌خواه و مبارز وطنش از جای برخیزند و برای آزادی وطن از یوغ صهیونیست‌ها جان خود را نثار کنند. سلافه حجاوی نیز پیوسته برای تسریع روند مقاومت، پایداری، تلاش برای حفظ کیان عربی فلسطین و زنده نگاه داشتن میراث فرهنگی سرزمین نیاکان خود نغمه سرایی می‌کند. شاعر با دلاورانی که مشعل مقاومت را برافراشته تا راه مبارزان را روشن سازند، اینگونه سخن می‌گوید (جیوسی، موسوعه، ۲۰۰۱: ۱۸۷/۱):

فارحل  
مثلما رحل الشهاب  
هی عادتک

(با صلابت و استوار همچون شهاب سنگ آنگونه که شایسته و عادت توست به پیش بتاز.)

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت در می‌یابیم که شعر زنان فلسطینی پس از اشغال به مسائل اساسی زیر پرداخته است:

۱- بررسی ابعاد مختلف شخصیت زن فلسطینی و بیان جایگاه والای وی در پیشبرد روند جنبش مقاومت.

۲- زدودن حس ناامیدی و تلاش برای اقامت در داخل سرزمین‌های اشغالی.

۱۳۴ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، پاییز ۱۳۸۸

- ۳- تلاش برای رهایی فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها و بازگشت آوارگان به وطن.
- ۴- خنثی ساختن توطئه‌های اسرائیل در راستای یهودی سازی فلسطین.
- ۵- محکوم کردن قطعنامه سازمان ملل مبنی بر تقسیم این سرزمین به دو منطقه عربی و یهودی نشین.
- ۶- بیان پیامدهای جنگ ۱۹۴۸ و حوادث ناشی از آن چون، آوارگی، تبعید، قتل، غارت، ترور.
- ۷- محکوم کردن تشکیل دولت اسرائیل در قلب سرزمین عربی فلسطین.
- ۸- ابراز ناخرسندی از تلاش‌های نافرجام محافل بین المللی در قالب اعزام میانجیگران یا ناظران صلح.
- ۹- بیان شور و اشتیاق غیر قابل وصف هموطنان خود برای بازگشت به وطن.
- ۱۰- یادآوری منزلت تاریخی، عظمت دینی فلسطین و ذکر میراث فرهنگی و تمدن پر افتخار عرب.
- ۱۱- فرو ریختن آتش خشم و نفرت بر سر صهیونیست‌های اشغالگر یا حکام خود فروخته عرب.
- ۱۲- فراخواندن توده‌های مردم به قیام، مبارزه، وحدت و همبستگی به منظور رهایی فلسطین از چنگال اشغالگران.
- ۱۳- بیان مناسبت‌ها و رخدادهای مختلف چون اتحاد مصر و سوریه، تجاوز نظامی کشورهای اروپایی به مصر، جنگهای آزادی بخش الجزایر، سرکوب انقلاب عراق، تشکیل سازمان آزادی بخش فلسطین و دیگر تشکل‌های مقاومت.
- ۱۴- توجه به عربی بودن ملت و کیان ملی فلسطین.

## منابع

- الادیب (۱۹۶۶)، شماره‌های دسامبر و مه، بیروت.
- ابو اصبع، صالح (۱۹۷۹)، الحركة الشعرية في فلسطين المحتلة، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت.
- جیوسی، سلمی خضراء (۱۹۶۰)، العودة من النبع الحالك، دارالآداب، بیروت.
- جیوسی، سلمی خضراء (۱۹۷۷)، موسوعة الادب الفلسطيني المعاصر، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت.
- جیوسی، سلمی خضراء (۲۰۰۱)، الاتجاهات و الحركات في الشعر العربي المعاصر، دارالفکر، بیروت.
- سموین، رجا (۱۹۶۰)، الضائعون، مطابع الشركة الصناعية، عمان.
- سوافیری، کامل (۱۹۷۳)، الاتجاهات الفنية في الشعر الفلسطيني المعاصر، مكتبة الأنجلو، قاهره.
- سوافیری (بی تا)، الأدب العربي المعاصر في فلسطين، دارالمعارف، قاهره.



بازتاب حادثه اشغال (١٩٤٨) در شعر شاعران زن فلسطينى ١٣٥

طوقان، فدوى (١٩٥٤)، ديوان (الليل و الفرسان)، دارالعودة، بيروت.

عبدالستار، ابراهيم (بى تا)، شعراء فلسطين العربية فى ثورتها القومية، مطبعة النفير، حيفا.

كيالى، عبدالرحمان (١٩٧٥)، الشعر الفلسطينى فى نكبة فلسطين، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بيروت.

مصطفى، خالد على (١٩٧٨)، الشعر الفلسطينى الحديث، وزارة الثقافة، بغداد.

ياغى، عبدالرحمن (١٩٦٩)، دراسات فى شعر الارض المحتلة، جامعة الدول العربية، قاهره.

يوسف، خطيب (١٩٦٨)، الوطن المحتل، دارفلسطين، دمشق.

يوسف، يوسف (١٩٧٧)، دورالشعر فى المعركة، الاتحاد العام للكتاب، تونس.